

درس هفتم

تأثیر اللُّغةِ الفارسیَّةِ عَلَى اللُّغةِ العَرَبیَّةِ

تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی

الْمُفْرَدَاتُ الفارسیَّةُ دَخَلَتِ اللُّغةَ العَرَبیَّةَ مُنْذُ العَصْرِ الجاهلیِّ،

واژگان فارسی از دوره جاهلی وارد زبان عربی شدند،

فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى العَرَبیَّةِ أَلْفَاظٌ فارسیَّةٌ کَثیْرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الإیرانیِّینَ فِی العِراقِ وَ الیَمَنِ،

پس کلمات فارسی بسیاری به سبب تجارت و ورود ایرانیان به عراق و یمن به زبان عربی منتقل شده است

وَ کانتَ تِلْکَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ البُضائِعِ الَّتِی ما کانتَ عِنْدَ العَرَبِ کَالْمِسْکِ وَ الدِّیاجِ.

و آن واژگان به برخی از کالاهایی که عرب نداشت، مانند مشک و ابریشم مربوط می شد

وَ اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الفارسیَّةِ إِلَى العَرَبیَّةِ بَعْدَ انْضِمامِ ایرانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الإِسلامیَّةِ

و انتقال از فارسی به عربی بعد از پیوستن ایران به دولت اسلامی شدت یافت

وَ فِی العَصْرِ العَبَّاسیِّ اِزْدادَ نُفوذُ اللُّغةِ الفارسیَّةِ حِینَ شارَكَ الإیرانیُّونَ فِی قِیامِ الدَّوْلَةِ العَبَّاسیَّةِ عَلَی یَدِ أَمثالِ أبی مُسَلِّمِ

الْخَراسانیِّ وَ آلِ بَرَمکِ

و نفوذ زبان فارسی در دوره عباسی در هنگامی که ایرانیان در برپایی دولت عباسی به دست امثال ابومسلم خراسانی و

خاندان برمک شرکت کردند، افزایش یافت

وَ کَانَ لِابْنِ المُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِیمٌ فِی هَذا التَّأثیرِ، فَقدَ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفارسیَّةِ إِلَى العَرَبیَّةِ، مِثْلُ کَلِیلَةِ وَ دِمْنَةِ

و ابن مقفع نقش بزرگی در این اثرگذاری داشت، او تعدادی از کتابهای فارسی را به عربی ترجمه کرد؛ مانند کلیله و دمنه

وَ لِفیروزآبادی مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القاموسِ یَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ کَثیْرَةً بِاللُّغةِ العَرَبیَّةِ

و فیروزآبادی لغت نامه مشهوری به نام «القاموس» دارد که واژگان بسیاری را از زبان عربی در برمی گیرد

و قد بین علماء اللغة العربية و الفارسیة أبعاد هذا التأثير في دراساتهم،

و دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تأثیر را در پژوهش‌هایشان آشکار کرده اند

فقد ألف الدكتور ألتونجی كتاباً يضم الكلمات الفارسیة المعرّبة سماًه «مُعْجَمَ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسیَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِیَّةِ»

و دکتر تونجی کتابی را تألیف کرد که کلمات فارسی عربی شده را در بر می‌گرفت و آن را «مُعْجَمَ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسیَّةِ فِي اللُّغَةِ

الْعَرَبِیَّةِ» (فرهنگ لغت معرّبات (عربی شده‌های) فارسی در زبان عربی) نامید

أما الكلمات الفارسیة التي دخلت اللغة العربية فقد تعيّرت أصواتها و أوزانها، و نطقها العرب و فقا لالسنتهم،

اما کلمات فارسی که وارد زبان عربی شدند صداها و وزن‌های آنها تغییر کردند و عرب‌ها آن را مطابق با زبان‌شان تلفظ کردند

فقد بدلوا الحروف الفارسیة «گ، چ، پ، ژ» التي لا توجد في لغتهم إلى حروف قريبة من مخارجها؛ مثل:

پس حروف فارسی «گ، چ، پ، ژ» را که در زبان‌شان وجود ندارد را به حروفی نزدیک به مخارجشان تبدیل کردند؛ مانند:

پردیس ← فردوس مهرگان ← مهرجان چادرشَب ← شَرشَف و....

و اشتقوا منها كلمات أخرى، مثل «يكنزون» في آية ﴿... يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ ...﴾ من كلمة «گنج» الفارسیة

و از آن واژگان دیگری برگرفتند؛ مانند «يَكْنِزُونَ» در آیه ﴿... يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ ...﴾ از کلمه فارسی گنج.

علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي يجعلها غنية في السلوب و البيان،

باید بدانیم که تبادل واژگان بین زبان‌ها در جهان امری طبیعی است که آنها را در شیوه و گفتار غنی (بی نیاز) می‌سازد

و لا نستطيع أن نجد لغة بدون كلمات دخيلة؛ كان تأثير اللغة الفارسیة على اللغة العربية قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام،

و نمی‌توانیم که زبانی بدون کلمات وارد شده پیدا کنیم. تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی قبل از اسلام بیشتر از تأثیر آن بعد از

اسلام بود

و أما بعد ظهور الإسلام فقد ازدادت المفردات العربية في اللغة الفارسیة بسبب العامل الديني

و اما بعد از پیدایش اسلام واژگان عربی در زبان فارسی به دلیل عامل دینی افزایش یافت